روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵ • ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • ۱۹ نوامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۵۳۱ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۷ • طلوع آفتاب ۶:۴۵



سیلاب ۱۶ آبان‌ماه، در پی بارش‌های سنگین ابتدای فصل بارندگی و پس از یک دوره طولانی خشک‌سالی، حجم قابل توجهی از رسوبات حوضه آبریز «دز» را وارد مخزن این سد کرد. تلف‌شدن آبزیان، در کنار افت کیفیت آب و افزایش کدورت منابع آب شرب، سلامت اکوسیستم رودخانه و دسترسی جوامع محلی در شهرها و روستاهای پایین‌دست رودخانه در به آب سالم را با مخاطره مواجه می‌کند. عکس: سیدحامد موسوی، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

مبارزه با فساد یا حذف سازوکار درست؟

نقدی بر ادعاهای مطرح‌شده درباره نظام‌نامه جدید خدمات مهندسی ساختمان

مجید فرجامی
مهندس عمران و مدیرعامل کانون ایمنی پایدار پلاسکو

این یادداشت در پاسخ به مطلب منتشرشده در صفحه سوم روزنامه «شرق»، مورخ ۱۴ آبان ۱۴۰۵، با عنوان «حذف بستر فسادآور مهندسان ناظر ساختمان» و در گفت‌وگو با جناب آقای مهندس پژمان جوزی نوشته شده است؛ گفت‌وگویی که در آن، حذف سیستم ارجاع مهندس ناظر به‌عنوان اقدامی برای مقابله با فساد و رانت معرفی شده است. به صورت خلاصه، فارغ از جایگاه ایشان و تشکلی که در این گفت‌وگو به آن اشاره شده، درباره محتوای انتقادات مطرح‌شده باید گفت در هر بستری، از ارجاع نظارت گرفته تا صدور پروانه‌های ساختمانی و سایر مجوزهای دولتی، امتیازات و... امکان بروز فساد وجود دارد. در همه موارد یاد شده یا حتی به‌عنوان نمونه در بلندمرتبه‌سازی کم نیستند مواردی که سازنده‌ای با سوءاستفاده از اعتماد مردم، سرمایه‌ها را به باد داده و متواری شده یا سر از زندان درآورده است. آیا باید به این بهانه مثلا برج‌سازی را تعطیل کرد؟ قطعا خیر. راه‌حل، شناسایی و اصلاح بسترهای فسادآور و برخورد با متخلفان است، نه حذف یک سازوکار درست. وگرنه با هر تصمیم شتاب‌زده، تنها صورت‌مسئله پاک می‌شود و پس از مدتی، فساد در بستر جدیدی سر برمی‌آورد؛ روز از نو و روزی از نو! به‌طور مفصل تر چند نکته اساسی درباره ادعاهای مطرح شده باید مورد توجه قرار گیرد که در ادامه به آن می‌پردازم:

۱. مسئله اصلی، حقوق مردم است نه سازندگان یا مهندسان

در تمام این بحث‌ها و مباحث احتمالی آتی نباید فراموش کنیم که موضوع نظارت ساختمان صرفا اختلافی بر سر چند پروژه و متراژ امضای مهندسی، نحوه ارجاع کار یا منافع یک گروه صنفی نیست. مسئله اصلی، حقوق مردم به‌عنوان استفاده‌کنندگان نهایی ساختمان‌هاست؛ مردمی که حق دارند در محیطی ایمن زندگی و کار کنند و از آسایش و آرامش برخوردار باشند. ساختمان فقط یک کالای اقتصادی یا سرمایه‌گذاری برای مالک و سازنده نیست؛ بلکه مکانی است که چندین دهه محل زندگی، کار و فعالیت انسان‌ها خواهد بود. بنابراین کیفیت ساخت، ایمنی سازه و تأسیسات و رعایت ضوابط، مستقیما با جان، مال، آسایش و آرامش مردم ارتباط دارد. بستر نظارت باید به‌گونه‌ای طراحی شود که ناظر بتواند با استقلال و بدون نگرانی از قطع رابطه کاری با کارفرما، تخلفات احتمالی را گزارش کند؛ تخلفاتی که مطابق مقررات ملی ساختمان، برای تأمین ایمنی، آسایش و آرامش مردم و بهره‌برداران است. سپردن انتخاب ناظر بر مالک یا سازنده، بدون پیش‌بینی تضمین‌های مؤثر برای استقلال او، این پرسش جدی را ایجاد می‌کند که در زمان تعارض منافع، چه کسی از حقوق بهره‌برداران دفاع خواهد کرد؟

۲. اشتباه‌گرفتن نقش طراح و مجری با ناظر

استناد به اصل آزادی قراردادها برای انتخاب ناظر که در مصاحبه قبلی در نگاه نخست جذاب است؛ اما لازم به تأکید است که نقش ناظر با طراح و مجری تفاوت دارد. مالک در حال حاضر می‌تواند در چارچوب مقررات، طراح و مجری کاربلد و هماهنگ و مورد اعتماد خود را انتخاب کند. اما ناظر صرفا ارائه‌دهنده خدمت به مالک نیست؛ وظیفه او کنترل انطباق عملیات اجرائی با پروانه، نقشه‌های مصوب و مقررات و گزارش تخلفات احتمالی به مرجع قانونی است. به بیان ساده، ناظر باید بتواند در برابر تخلف مالک با استقلال کاری خود بایستد و گزارش کند. مثال‌هایی که از آزادی انتخاب پزشک یا جراح بیان می‌شود، در واقع مثال از انتخاب مجری در امر پزشکی است که چه در مهندسی و چه در پزشکی منطقی و در هر دو حوزه آزاد است و بحث ارجاع، بحث انتخاب ناظر است که اگر مالک اختیار انتخاب مستقیم ناظر را داشته باشد، مشخصا زمینه وابستگی مالی و حرفه‌ای و تعارض منافع ایجاد می‌شود. مسئله اتهام به همه مالکان و سازندگان نیست؛ مسئله این است که ساختار نظارتی نباید بر فرض درستکاری همیشگی تمام اشخاص تحت نظارت بنا شود.

۳. آیا ادعای دستی‌بودن سیستم ارجاع درباره همه استان‌ها صدق می‌کند؟

در مصاحبه ادعا شده که سیستم ارجاع، با وجود ظاهر خودکار، در عمل دستی و زمینه‌ساز رانت و فساد بوده است. به‌عنوان عضوی از سازمان نظام مهندسی استان خراسان رضوی و شاغل در دومین کلان‌شهر ایران و با شناختی که از فرایندهای اجرائی در خراسان رضوی و همچنین برخی استان‌های دیگر دارم، تأکید می‌کنم از ابتدا سازوکارهای سیستمی برای ارجاع کار وجود داشته که اتفاقا هدف آن محدودکردن مداخله مستقیم افراد بوده است.

البته این موضوع به معنای انکار تخلف یا ضعف در برخی استان‌ها و اشکالات موردی نیست. اگر ارجاعی دستی، غیرشفاف یا همراه با تبعیض بوده، باید مستندات آن منتشر و با متخلفان برخورد شود. اما تعمیم یک ادعا به کل کشور و نتیجه‌گیری درباره حذف اصل سازوکار، مغلطه‌ای بیش نیست. همان‌طور که تخلف برخی برج‌سازان، دلیل تعطیلی برج‌سازی نیست، تخلف احتمالی در ارجاع نیز نباید به حذف ارجاع نظارت منجر شود.

۴. وظایف دولت، مراجع صدور پروانه و شهرداری برای کنترل ساخت‌وساز پابرجاست

در مصاحبه گفته شده کنترل کیفیت ساختمان باید در اختیار دولت یا شهرداری‌ها باشد، نه سازمان نظام مهندسی. به نظر اینجانب، در حال حاضر بر اساس مقررات موجود و به‌ویژه با استناد به ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، صدور پروانه ساختمان و مسئولیت‌های قانونی کنترل اجرای ضوابط بر عهده مراجع ذی‌ربط، ازجمله شهرداری‌هاست. مهندس ناظر نیز در چارچوب صلاحیت حرفه‌ای و مطابق پروانه اشتغال خود، عملیات اجرائی را کنترل و تخلفات را به مرجع صدور پروانه گزارش می‌کند و مرجع صدور پروانه با توجه به گزارش ناظر در خصوص وقوع تخلف ساختمانی در اسرع وقت با اطلاع ناشر دستور اصلاح صادر کرده و تا رفع تخلف از ادامه کار جلوگیری می‌کند.

۵. راه‌حل فساد، شفافیت، برخورد با تخلفات و در نهایت اصلاح است

اگر در فرایند ارجاع تخلفی رخ داده، باید با آن برخورد شود. همان‌گونه که با تخلف در امر پزشکی، امور گمرکی، تخلف در امور مربوط به مؤدیان و امور مالیاتی و... برخورد می‌شود، باید با تخلف در هر زمینه‌ای برخورد کرد. حذف یک سازوکار درست و قانونی، چه مهندسی، چه پزشکی، چه در امور گمرکی یا مالیاتی و... اشتباه است و سپردن انتخاب ناظر به طرفی که خود موضوع نظارت است، لزوما فساد را از بین نمی‌برد؛ چه‌بسا بیشتر می‌کند و آسیبی جدی به مردم به‌عنوان مهم‌ترین و طولانی‌ترین ذی‌نفع ساخت‌وساز وارد می‌آورد.

۶. آیا وزیر اختیار حذف این سازوکار را دارد؟

این موضوع با توجه به آرای متعدد دیوان عدالت اداری و سلسله‌مراتب قوانین و مقررات و حدود اختیارات وزیر، نیازمند بررسی حقوقی دقیق و مستقلی است و مجال پرداختن به آن در این یادداشت کوتاه وجود ندارد. به نظر می‌رسد این پرسش به‌تنهایی ظرفیت یک مقاله و بررسی حقوقی جداگانه را دارد.

آخرین نکته

مبارزه با فساد، مطالبه‌ای جدی و ضروری است، اما نباید به نام آن، سازوکاری را حذف کرد که یکی از کارکردهای اصلی‌اش حفاظت از حقوق عمومی است. اگر ارجاع نظارت ایراد دارد، باید اصلاح شود؛ اگر تخلفی رخ داده، باید با متخلف برخورد کرد؛ و اگر ساختار پاسخ‌گو نیست، باید آن را شفاف و قابل نظارت کرد.

نظارت ساختمان امتیاز اقتصادی یک گروه از مهندسان نیست؛ ابزاری برای صیانت از جان، مال، ایمنی، آسایش و آرامش مردم است. در این میان، آنچه باید در اولویت باشد، نه منافع مالک و سازنده، نه منافع مهندسان و نه اعتبار یک تشکل، بلکه حقوق مردمی است که قرار است سال‌ها در این ساختمان‌ها زندگی و کار کنند.

من دنیا رو به همین زیبایی می‌بینم
تو می‌تونی کمک کنی که همین‌قدر زیبا شه...
حامی بازگشت کودکان محک، به سلامتی باش.
mahak.app
*۱*۷۳#

محک
مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

یادداشت

خون‌بهای سنت‌های پوسیده

وحیدمعتمدنژاد

در سال‌های اخیر، جامعه ایران بارها در برابر اخبار تلخ و تکان‌دهنده‌ای از جنس خشونت‌های خانوادگی قرار گرفته است؛ حوادثی که ریشه در تاریک‌ترین لایه‌های سنت‌های متحجرانه و تعاریف انحرافی از مفهوم «غیرت» دارند. پرونده قتل سوگند صیادی یکی از همین فجایع دردناک است که ابعاد گوناگون آن بازتابی از چالش‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی و حقوقی درباره حقوق زنان و مباحث ناموسی در ایران به شمار می‌رود. وقتی خبر قتل سوگند صیادی در فضای رسانه‌ای و عمومی منتشر شد، بیش از آنکه جامعه از اصل جنایت شوکه شود، از تکرار مکرر خشونت علیه زنان به بهانه‌های واهی به خشم آمد. این دست حوادث، مرگ صرفا یک انسان نیستند؛ نماد بارز فروپاشی اخلاقی در بستر تفکراتی هستند که جان انسان را فدای هنجارهای ناهنجار و رویکردهای سنتی، قبیله‌ای و مردسالارانه می‌کنند. سوگند صیادی قربانی نگاهی شد که در آن، مالکیت بر تن و زندگی زن، حقی فرض می‌شود که مردان خانواده برای خود قائل هستند. در ادبیات سنتی، غیرت همواره به معنای پاسداری از حرمت، امنیت و کرامت انسانی اعضای خانواده تعریف شده است؛ اما در قرائت افراطی، جاهلی و مردسالارانه، این مفهوم واژگون شده و به ابزاری برای «کنترل، تملک و سرکوب» تبدیل شده است. **زن به‌مثابه ناموس قابل تملک:** در این تفکر سنتی، زن نه به‌عنوان یک انسان مستقل با حق تعیین سرنوشت، بلکه به‌عنوان «ناموس» و شیء متعلق به مرد شناخته می‌شود. هرگونه استقلال‌طلبی، انتخاب شخصی یا سرپیچی از دستورات مردان خانواده، به معنای لکه‌دارشدن آبروی مرد تلقی می‌شود. **آبروی ازدست‌رفته و انتقام خونین:** در جوامعی که ارزش‌های سنتی قبیله‌ای جایگزین قانون و اخلاق انسانی می‌شوند، «آبرو» با خون پاک شده و معنا پیدا می‌کند. قاتلانی همچون بستگان سوگند صیادی، با این توجیه که «لکه ننگ را پاک کرده‌اند»، دست به جنایت می‌زنند و حتی گاهی انتظار دارند جامعه از آنها به‌عنوان قهرمانان غیرتمند تجلیل کند. قتل‌هایی از این دست، معلول چندین عامل ساختاری و فرهنگی‌اند که نیازمند کالبدشکافی دقیق هستند. **مردسالاری ریشه‌دار:** تفکر مردسالارانه به مردان این حق را می‌دهد که خود را قاضی، هیئت‌منصفه و مجری حکم درباره زندگی زنان بدانند. **فرهنگ سکوت و پنهان‌کاری:** بسیاری از زنانی که در معرض خشونت خانگی یا تهدید به مرگ قرار دارند، به دلیل ترس از برچسب‌های اجتماعی، فقدان حمایت‌های قانونی مؤثر و نبود نهادهای امن و پناهگاه‌های حمایتی، راهی برای نجات ندارند و در این چرخه تاریک گرفتار می‌مانند. **عادی‌سازی خشونت:** وقتی در برخی جوامع محلی یا سنتی، خشونت علیه زنان با توجیهاتی همچون «تربیت»، «اصلاح» یا «غیرت» تطهیر می‌شود، زمینه برای بروز فجایع بزرگ‌تر فراهم می‌شود. یکی از دلایل تداوم قتل‌های ناموسی در کشورهای مختلف ازجمله ایران، نواقص و تسامحات حقوقی است. اگرچه هر قتل نفس در قانون جرم‌انگاری شده، اما وجود برخی مواد قانونی، گاهی پیام بازدارنده ضعیفی به جامعه مخابره می‌کند. تا زمانی که قوانین به صراحت، قاطعیت و بدون هیچ‌گونه تخفیف برخاسته از نگاه‌های سنتی، با قاتلان ناموسی برخورد نکنند، این چرخه متوقف نخواهد شد. پرونده سوگند صیادی، پرونده‌ای بسته‌شده در تاریخ نیست؛ هشدار و زخمی است که هر روز بر پیکر جامعه سر باز می‌کند. عبور از این بحران نیازمند یک انقلاب فرهنگی و اجتماعی عمیق است. سوگند صیادی رفت، اما نام او در کنار دیگر قربانیان تعصبات کور و سنت‌های پوسیده، یادآور این حقیقت تلخ است که تا زمان تغییر بنیادین نگاه جامعه به زن و کرامت انسانی‌اش، کماکان سایه سنگین خنج سنت بر گلوی آزادی و زندگی گسترده خواهد بود.

یاد

دکتر مهری، استاد برجسته ریاضیات درگذشت

پروفسور بهمن مهری، استاد بازنشسته دانشگاه صنعتی شریف و چهره ماندگار ریاضیات، دو روز پیش دار فانی را وداع گفت. انتشار این خبر سبب شد تا جامعه علمی و دانشگاهی کشور در سوگ فقدان استادی فرزانه، متواضع و بلندمرتبه بنشیند. به گزارش سایت دانشگاه شریف و خبرگزاری ایسنا، پروفسور بهمن مهری، استاد بازنشسته دانشکده علوم ریاضی دانشگاه صنعتی شریف بود که نزدیک به ۵۰ سال در این دانشگاه تدریس کرد و می‌توان گفت بسیاری از استادان فعلی دانشگاه شریف، شاگردان دکتر مهری بوده‌اند. او در سال ۱۳۸۱ به‌عنوان چهره ماندگار ریاضیات ایران معرفی شد. دکتر مهری اصالتا گیلانی است و سال ۱۳۱۴ در اصفهان متولد شد. او فرزند میرزا محمدعلی مهری، معلم دبستان‌های رشت است. پدر او مسائل حساب را از کتاب‌های روسی به فارسی برمی‌گرداند. پروفسور مهری لیسانس خود را از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه مینه‌سوتا و دکترای خود را از دانشگاه ویسکانسین گرفته است. زمینه تحقیقات او معادلات دیفرانسیل معمولی و معادلات دیفرانسیل پاره‌ای است. طبق سایت شریف دکتر مهری از ۱۲سالگی سابقه تدریس داشت و حتی بعد از بازنشستگی هم گاهی در طبقه چهارم دانشکده ریاضی، در یکی از اتاق‌های این دانشکده می‌نشست، کتاب می‌خواند، مقاله می‌نوشت و به دانشجویان درس می‌داد.



دکتر مهری سال ۱۳۳۷ و در ۲۳سالگی برای تحصیل در رشته ریاضی وارد دانشکده علوم دانشگاه تهران شد و هم‌زمان تحصیل در دانشسرای عالی تعلیم و تربیت را هم شروع کرد. او در سال ۱۳۳۸ به آمریکا رفت و در سال ۱۳۴۵ مدرک دکترای ریاضی را از دانشگاه ویسکانسین دریافت کرد. دکتر مهری یک سال هم در دانشگاه نیویورک تدریس کرد، اما در نهایت در سال ۱۳۴۶ به ایران برگشت و به‌عنوان استاد ۵۰ سال در دانشگاه صنعتی شریف تدریس کرد. او در سال ۱۳۴۴ از سوی دکتر محمدعلی مجتهدی، مدیر دبیرستان البرز و مؤسس دانشگاه صنعتی شریف، به ایران دعوت شد تا به همراه چند استاد دیگر، نخستین دانشگاه مهندسی ایران را راه‌اندازی کند. دکتر مهری ۲۵ عنوان کتاب و ۸۵ مقاله در حوزه رشته تخصصی‌اش نوشته است. خدمات ارزنده و ماندگار آن مرحوم به جامعه ریاضی کشور و پرورش نسل‌های متعددی از دانشجویان مشتاق که از سرچشمه دانش و تدریس ایشان فیض بردند، هرگز از خاطره‌ها نخواهد رفت. به اعتراف همگان، ایشان تجسم عینی تواضع، اخلاق‌مداری و فروتنی در محیط‌های آکادمیک بود و در تمام دوران خدمت پربار خود، با سلوک نیکوی خویش هرگز قلبی را نیازرد. ویژگی متمایز و برجسته علمی دکتر مهری، اصالت و استقلال پژوهشی تام و تمام او بود. برخلاف رویه‌های مرسوم زمانه که بسیاری از دستاوردهای پژوهشی و مقالات استادان مرهون مقالات مستخرج از فعالیت دانشجویان دکتری است، این استاد فقید کارهای تحقیقاتی و بنیادین خود را شخصا و پیش از آن دوران (بدون داشتن دانشجوی دکتری) به انجام رسانده بود و پژوهش‌های اصیل او گواهی بر ژرفای اندیشه و استقلال علمی‌اش بود.

یاد و نامشان گرامی

بیانیه

اعتراض انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به گزارش روزنامه آمریکایی

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به گزارش‌های غیرحرفه‌ای که علیه ایران در رسانه‌های آمریکایی منتشر شده‌اند، واکنش نشان داد. در بخش‌هایی از متن این بیانیه اعتراضی آمده است: «گزارش اخیر نیویورک‌تایمز، موجی از نگرانی در میان ایرانیان، افراد و نهادهای فعال در امور بشردوستانه از طرفی و همه افراد و نهادهای ضدجنگ جهان از سوی دیگر ایجاد کرده است. این گزارش که با قید گمانه‌زنی فاقد هرگونه رویکرد آگاهی‌بخش و فارغ از اطلاعات قابل اتکا و استناد است، صرفا به منظور ایجاد زمینه اجتماعی لازم برای تجاوزات نظامی فاقد مشروعیت در بین جوامع غربی تهیه و منتشر شده است».